سال بیست و سوم ■ شماره ۶۵۱۳
چهارشنبه ■ ۱۷ خرداد ۱۳۹۶

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ و ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم پارسه، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی چاپ همزمان اصفهان (آئیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۳	۳۵	۳۴	۴۹	۴۰	۳۶	۳۸	۳۳
۱۸	۲۳	۲۰	۲۶	۲۹	۲۴	۲۰	۲۱

اذان ظهر ۱۳/۰۳ اذان مغرب ۲۰/۳۹ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ اذان صبح فردا ۴/۰۳ طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

دعای ماه مبارک رمضان

دعای روز دوازدهم:

اللَّهُمَّ زَيِّنِّي فِيهِ بِالسِّتْرِ وَ الْعَفَافِ وَ اسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَ الْكَفَافِ وَ احْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَ الْإِنْصَافِ وَ آمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ

خدایا مرا در این ماه به پوشش و پاکدامنی بیارای، و به لباس قناعت و اکتفا به‌اندازه حاجت بپوشان و بر عدالت و انصاف وادارم نما، و مرا در این ماه از هرچه می ترسم ایمنی ده، به نگهداری ات ای نگهدارنده هراسندگان.

یه چیزی تو همین مایه‌ها

فریور خراباتی

نحوه طبخ خورش آلو اسکناس!

با شرایطی که امروز خاورمیانه دارد بزودی جام ملت‌های آسیا به«جام ملت‌های هیچ‌جا و هرچی که هست!» تغییر نام خواهد داد.پس از تحریم قطر توسط کشورهای دیگر عربی واقعاً بنده ایمان آورده‌ام که دونالد ترامپ معنی«صلح»را درست متوجه نشده و آن را با «قهر» اشتباه گرفته است. مردم قطر هم پس از تحریم شدن این کشور و بسته شدن مرزها به مغازه‌ها هجوم آورده و هرچه داخل آنها بوده را خریده‌اند. این نشان می‌دهد که دولت یازدهم واقعاً بی‌خود و بی‌جهت روی خودکفایی گندم مانور تبلیغاتی داده است(دلیلی برای این ادعا به ذهنم نمی‌رسد، یک دلواپسی خودش زحمت بکشد و آن را توضیح بدهد) تا وقتی پول هست، خودکفایی چرا؟ در نتیجه ما بزودی شاهد طبخ غذاهایی مانند«گاز پلو»، «خورش آلو اسکناس»، «پیتزا فرآورده‌های نفتی» در قطر خواهیم بود و این نشان می‌دهد که پول خوشبختی نمی‌آورد اما به هرحال از بی‌پولی هم بهتر است.پس از این اتفاقات یونان که حکم جلب خودش در دست چند کشور اروپایی دیگر قرار دارد به‌عنوان حافظ منافع مصر در قطر انتخاب شد، در همین رابطه مقام‌های سوئیسی ضمن اعتراض به این تصمیم اعلام کردند: «ما بد حفاظت منافع می‌کردیم؟» و مقام‌های یونانی هم ضمن گلایه از این تصمیم به خبرنگاران گفتند: «والا ما خودمون تا کمر توی مشکلات فرو رفتیم، چهار ساله داریم خرج کشور رو با فروش سالاد سزار و سالاد یونانی توی کافه‌ها و کافی‌شاپ‌های تهران در میاریم!».

میان این هاگیر واگیر اردوغان هم گفته که می‌خواهد بین مرز ایران و ترکیه دیوار بکشد، ظاهراً این بزرگوار فراموش کرده که این‌طرف خدا را شکر امن است و هرچه ناامنی است، آن طرف است، به هرحال ما تشکر می‌کنیم که ایشان زحمت کشیدن دیوار را متقبل شده و «تروریست‌ها را توی شهرها و قیمه‌ها را توی ماست‌ها نریزد».به هرحال این روزها در خاورمیانه دیپلماسی«دستتو بکش بینیم بابابیسم» حکمفرماست و سیاست«دندان قروچه کردن» و «دهن کجی» و «فحاشی زیر لبی» جای خودش را با گفت‌وگو و تعامل عوض کرده است.ما منتظر هستیم که چند تن از استادان دلواپس‌مآب بیایند و این مشکلات را به سیاست‌های وزارت امور خارجه و دکتر ظریف نسبت بدهند، این‌طور نمی‌شود که این همه مشکلات در جهان به وجود بیاید و آقای ظریف پاسخگو نباشد!

کیوسک

داریو فو در «نقد هنر»

تازه‌ترین شماره دوماهنامه فرهنگی-هنری «نقد هنر» به مدیر مسئولی سارا منصوری و سردبیری حمیدرضا قنبری با پرونده‌ای برای داریو فو؛ کارگردان و طنزپرداز برنده جایزه نوبل منتشر شد.در این شماره ترجمه کامل متن خطابه فو در مراسم جایزه نوبل ادبیات آورده شده است. هادی در یادداشتی کوتاه با عنوان «فو، کله‌خر دوست‌داشتنی» از چرایی علاقه‌اش به این طنزپرداز ایتالیایی گفته است. همچنین میکاییل شهرستانی؛ بازیگر و کارگردان تئاتر؛ که در نمایش مصطفی عبداللهی با عنوان «مرگ تصادفی یک آنارشیست» نوشته فو، حضور داشت، خاطره خود را از این تجربه در یادداشتی با عنوان «به بهانه مصلحت‌اندیشی، سر، خم نکنیم» گفته است. از پژوهشگران و محققان برجسته‌ای که عمرش را در راه معرفی و بررسی آثار فو صرف کرده، «آنتونیو سودری» استاد دپارتمان هنر ایتالیا در دانشگاه ترومن امریکاست. مقاله تحلیلی او با عنوان «داریو فو، جانوران و دلقک‌های درباری» دریچه‌ای تازه را برای علاقه‌مندان آثار فو باز می‌کند. شماره ۳ مجله نقد هنر به قیمت ۵ هزار تومان نشر یافته است.

آن سوی مرز

درگذشت ابن‌خلدون‌شناس برجسته تونسی

«ایران»: محمد الطّالبی؛ متفکر و مورخ و ابن‌خلدون‌شناس برجسته تونسی، اول مه (۱۱ اردیبهشت) در ۹۶ سالگی درگذشت.

این محقق در زبان‌شناسی عربی تخصص داشت و «فرمانروایی اغالبه از منظر تاریخی و سیاسی» عنوان پایان نامه دکترای وی در رشته تاریخ دانشگاه سوربن پاریس بود که در سال ۱۹۶۶ در فرانسه منتشر شد. او نخستین کسی بود که در سال ۱۹۵۵، به پژوهش در فرهنگ جامعه تونس پرداخت. او درباره تاریخ دوره میانه اسلام و مسائل مختلف اسلامی پژوهش‌های فراوان انجام داده و در عرصه گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت بسیار کوشید. طالبی، افزون بر تدریس، در دوره‌هایی نماینده مجلس، ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تونس و ریاست فرهنگستان تونس را بر عهده داشت. در سال ۱۳۹۱، کتاب «ابن‌خلدون و تاریخ» او، با ترجمه محسن حسنی و سپیده ره انجام ازسوی پژوهشکده تاریخ اسلام منتشر شد که برای تکریم ششصدمین سالگرد مرگ ابن‌خلدون نوشته شده بود.

عکس نوشت

علی خدایی
نویسنده

زنده و جاری در ادبیات داستانی معاصر

درباره هوشنگ گلشیری
در هفدهمین سالروز درگذشت او

درباره «هوشنگ گلشیری» از زاویه‌های گوناگون می‌توان گفت و نوشت! یک جنبه مهم هوشنگ گلشیری این بود که او نقش بسیاری در تشکیل کارگاه‌های داستان‌نویسی و تربیت نویسندگان نسل جدید داشت، اما نباید فراموش کرد کارگاه‌هایی که او برگزار می‌کرد شباهتی به کارگاه‌های داستان‌نویسی امروزی نداشت! کارگاه‌هایی که بیشتر مانند یک کلوپ برگزار می‌شوند و از مردم هم دعوت می‌کنند که «در کلاس‌های ما شرکت کنید، نویسنده شوید و استعدادهای خود را کشف کنید.» کارگاه‌ها یا بهتر است بگوییم برنامه‌هایی که او برگزار می‌کرد راهی خوب برای آشنایی با ریزه کاری‌های داستان‌نویسی بود. بخشی از این کلاس‌ها در اصفهان و بخش دیگری هم در تهران برگزار می‌شد و من هم تقریباً در هر دو آنها حضور داشتم.

در کلاس‌هایی که برگزار می‌شد اگر بحث داستان‌نویسی ایرانی مطرح بود، داستان‌نویسی ایرانی از جمال‌زاده شروع می‌شد و به مرور جلوتر رفته و به نثر داستانی امروزی می‌رسید. در این کلاس‌ها درباره نویسندگان مشهور ایرانی همچون صادق هدایت، بزرگ علوی و... صحبت می‌شد، آثار آنان خوانده می‌شد و حتی درباره شخصیت‌های داستانی هر یک بحث می‌شد.

البته اگر هریک از حاضران فرصتی برای خواندن داستان هایشان پیدا می‌کردند، درباره این داستان‌ها هم بحث می‌شد و حتی نقد می‌شدند. گاهی اوقات هم فرصتی فراهم می‌شد تا به شکلی خصوصی‌تر داستان هایمان را برایش بخوانیم و او هم کمک می‌کرد تا قلق‌های داستان‌نویسی را یاد بگیریم. از او یاد گرفتم تا هیچ وقت برای موضوعی که انتخاب می‌کردم ذوق زده دست به قلم نشوم. از همه مهم‌تر هیچ تأکیدی نداشت که حتماً مانند او بنویسیم و ترجیح می‌داد تا هر یک از ما به سبک و سیاق خود نوشته و تنوع نوشتاری داشته باشیم. همیشه می‌گفت: «شما بعد از نویسندگان دیگر بنویسید، از تجربه آنان استفاده کنید اما در خلق داستان هایتان خودتان باشید.» بسیاری از اوقات، وقتی داستان هایمان را می‌خواند می‌گفت:«داستانت را دور بینداز» و به ما یاد می‌داد اگر داستانی خوب از آب درنیامده نباید تعصبی درباره‌اش داشته باشیم. اغلب مسائل را به‌طور کامل باز نمی‌کرد و تنها با یک نشانه ما را به سمت مسیر صحیح هدایت می‌کرد و مشتاق مان می‌کرد تا خودمان به‌دنبال کشف موضوع مذکور برویم. توجه وی به نشانه‌ها را حتی می‌توان در داستان‌هایش هم دید؛ نشانه‌هایی که با آنها مخاطبان را به‌دنبال هدفی که مد نظر داشت می‌کشاند و آنان را تا پایان داستان پیگیر نگه می‌داشت.

از این مباحث که بگذریم گلشیری مردی بسیار مهربان و خوب بود، ولی مهربانی‌اش را چندان بروز نمی‌داد، تا زمانی که داستان‌های هوشنگ گلشیری در ادبیات داستانی‌مان زنده است و جریان دارد ما مدیون او و فعالیت‌های ادبی‌اش هستیم.

چهارشنبه بازار فرهنگ

■ **مفاهیم عرفانی در شعر خواجوی کرمانی**

هفدهمین و هجدهمین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره خواجوی کرمانی سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۴ خرداد ساعت ۱۶:۳۰ به بحث و بررسی «مفاهیم عرفانی در شعر خواجوی کرمانی» اختصاص دارد که با سخنرانی محمدجواد اعتمادی، در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر(بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

■ **آیین بازگشایی موزه باستان‌شناسی گرگان**

آیین بازگشایی موزه باستان‌شناسی گرگان، امروز ساعت ۹ صبح در چهارراه شهدا این شهر برگزار می‌شود.

■ **بزرگداشت «فریبا مقصودی»**

بزرگداشت «فریبا مقصودی» با عنوان خط بانوی ایران زمین، از سوی انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، با سخنرانی اشرف بروجردی، فریبا افکاری، احمد مسجدجامعی، میرجلال‌الدین کزازی، قطب‌الدین صادقی، محمدعلی سلطانی و سها سلطانی، امروز ساعت ۱۷:۳۰ در کتابخانه ملی ایران واقع در بزرگراه حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، خروجی کتابخانه ملی برگزار می‌شود.

■ **رونمایی از نخستین مصحف ویژه کودکان و نوجوانان**

کتاب «قرآن مجید» (نخستین مصحف چاپ شده ویژه کودکان و نوجوانان و حافظین قرآن) امروز ساعت ۱۱ صبح در سرای اهل قلم مؤسسه خانه کتاب به نشانی خیابان انقلاب، خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ رونمایی می‌شود.

■ **سخنرانی ایران‌شناس آلمانی در تهران**

نشست «اهمیت پژوهش‌های باستان‌شناسی در مطالعات دوره ایلخانی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» با سخنرانی بیرگیت هاوفمن؛ استاد دانشگاه بامبرگ آلمان، امروز ساعت ۱۰ صبح در موزه ملی ایران واقع در ابتدای خیابان سی‌تیر برگزار می‌شود.

■ **نشست «تصویر نادرشاه در تاریخ‌نویسی ایرانی»**

نشست «تصویر نادرشاه در تاریخ‌نویسی ایرانی؛ سردار جنگجو یا قهرمان میهن؟» با سخنرانی پروفسور رودی مَته؛ ایران‌شناس هلندی، امروز ساعت ۱۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی واقع در بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادق آیینه‌وند (۶۴ غربی) برگزار می‌شود.

■ **ششمین همایش روز نیایش**

ششمین همایش روز نیایش، ازسوی مؤسسه سروش مولانا، امروز ساعت ۱۸:۳۰ در تالار فرهنگ و هنر واقع در خیابان انقلاب، بین ولیعصر و فلسطین، نبش خیابان برادران مظفر جنوبی برگزار می‌شود که محمدمهدی جعفری از نیایش در کلام حضرت علی(ع) و غلام‌حیدر خوش‌زبان از نیایش در اندیشه مثنوی سخن می‌گوید. عبدالجبار کاکایی نیز نیایش‌هایی از مثنوی را به همراه نی نوازی اسحاق چگینی می‌خواند.

■ **نشست «بازنمایی اجتماعی و رفتاری کودکان در سینمای کودک»**

نشست «بازنمایی اجتماعی و رفتاری کودکان در سینمای کودک و نوجوان» با حضور اعظم راورد راد، فرزاد مؤتمن، علیرضا قاسم‌خان و محمدرضا مقدسیان، امروز ساعت ۱۱ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از طالقانی، خیابان دمشق، شماره ۹ برگزار می‌شود.

شبگردها

فاروق مظلومی

امساک از فضای مجازی نامبارک در ماه مبارک

هنوز تابستان نرسیده است اما هوا بس ناجوانمردانه گرم است. از پله‌های ایستگاه مترو پایین می‌روم هوا سرد می‌شود. همه آنهایی که نشسته‌اند یا ایستاده‌اند سر به زیر در تلگرام هستند و شعر شر (share) می‌کنند. نیما سوار می‌شود و اخوان جا می‌ماند و با دست می‌کوبد بر در واگن و با صدای خسته می‌گوید نیما من جا ماندم. نیما داد می‌زند آی آدم‌ها یک نفر دست خسته می‌کوبد بر قطار. اما گردن‌ها شکسته و سرها در تلگرام است. فریاد می‌زند آی آدم‌ها یک نفر در ایستگاه دارد می‌سپارد جان. کسی سر بر نمی‌آورد از تلگرام برای پاسخ گفتن. هوای واگن ناجوانمردانه سرد است. یک نفر عکس اخوان را که پشت قطار می‌دود با موبایلش می‌گیرد و در گروه «بامزه‌های روزانه» به اشتراک می‌گذارد و یک نفر دیگر به گروه عجایب در تلگرام پیغام می‌دهد «مردی دستش لای در واگن مترو گیر کرد و با زور یک دستش، قطار را از حرکت نگه داشت». پسر جوانی به نیما می‌گوید من شاعر هستم شما هم انگار به شعر علاقه‌مندید؟ به کانال شعر من در تلگرام بپیوندید اسم کانالم یوش است. یوش را می‌شناسید؟ شهریار به زبان ترکی چیزی به این مسافر می‌گوید در مایه‌های تو دیگه کی هستی؟ نیما می‌گوید ولش کن محمد حسین. جوونه دیگه. بعد شهریار به من که همشهری‌اش هستم و از میله واگن آویزانم چشم غره می‌رود؛ دست نیما را می‌گیرد و ایستگاه دانشگاه شریف پیاده می‌شوند و بچه‌های شریف واگن به واگن کتاب شعر با صد درصد تخفیف حراج می‌کنند. مترو شلوغ است و پر از شعر اما کسی نیما، اخوان و شهریار را نمی‌شناسد.سرها در تلگرام است.

با صدای ترمز قطار از خواب می‌پرم. سحر بود. و کسی بر طبل نمی‌کوبید برای اعلام سحر. همسایه‌ها همدیگر را برای سحربیدار نمی‌کردند. حتماً در تلگرام گروه سحری راه انداخته‌اند.

صبح زود سوار تاکسی شدم بروم شرکت. دیدم غیر از آقای راننده همه‌مان سرمان در تلگرام است. گفتم این ماه مبارک حرکت مبارکی مرتکب شوم. حس آدم‌هایی را داشتم که خودشان را طراح ایده معرفی می‌کنند. با خودم فکر کردم که گروهی در تلگرام راه بیندازم با نام امساک از تلگرام در ماه مبارک رمضان. یک نفر در ذهنم نهیب زد. خلاق، ایده پرداز، خود همین گروه توسل به تلگرام است.

واقعاً چه بر سر ما آمده است. آدمی را می‌شناسم در پنجاه گروه تلگرام عضو است و اتفاقاً پاسخگو به هر پنجاه گروه اما جواب سلامت را در شرکت نمی‌دهد. خودش می‌گوید گاهی در یک ثانیه ۲۰ پیغام دریافت می‌کند. فکرش را بکنید ۲۰ پیغام در یک ثانیه. نه فکرش را نکنید حس بدی به آدم دست می‌دهد؛ حس مورد حمله و تعدی قرار گرفتن. به خاطر ماه رمضان مؤدبانه گفتم. آن هم پیغام‌هایی از جنس راست و دروغ و خطا و جفا و خاله زنک بازی.نگویید پیغام‌های مفید هم هست که من هم می‌دانم بله گروه‌های خیلی خوبی در تلگرام است حتی گروه جوک‌های بی‌تربیتی هم بد نیست. منظور من پیغام‌های گروه «پاشنه بلندها»ست. منظور من گروه فارغ‌التحصیلان فلان سال است که با آخرین عکس‌های ویلاهایشان برای همدیگر شاخ و شانه می‌کشند البته در پوشش دعوت برای تعطیلات آخر هفته‌ای که هرگز نمی‌آید.

دوستی دارم که سال‌ها در برابر خرید تلفن همراه مقاومت کرد. موبایل که خرید در برابر فضای مجازی تلفن همراه مقاومت کرد. همیشه همه جا تحسینش می‌کردم. همین دیروز پیغام آمد که به تلگرام پیوسته است. منتظر بودم که شرکت تلگرام یک شکلک با زبان بیرون زده برایم بفرستد با این متن که بیا، این دوستت هم تسلیم شد.

آخر همین ماه عزیز من به تو خواهم گفت که چرا دوست دارم هلال ماه شوال را با چشم خودم حتی اگر شده از پشت تلسکوپ ببینم تا اینکه خبر دیده شدنش را از گروه استهلال در تلگرام بخوانم. قبلاً گفته‌ام که برای من مهم است با چشم‌های خودم ماه را در آسمان جست‌وجو کنم. اصلاً من دوست دارم هرکس یا چیزی را که دوست دارم در آسمان و زمین جست‌وجو کنم و هنوز روی حرف خودم هستم. آنقدر گاگول نشده‌ام تا از گوگل بپرسم ماه کجا است و پریماه کی می‌آید؟

پرده نقره ای

«محمدرسول‌الله» در شبکه نمایش خانگی

فیلم سینمایی «محمدرسول‌الله» ساخته مجید مجیدی که به مقاطع کودکی و نوجوانی حضرت رسول اکرم(ص) می‌پردازد به شبکه نمایش خانگی می‌آید. این فیلم بعد از ایام شب‌های قدر و احتمالاً در روزهای نزدیک به عید فطر در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود.

نگاره

فیروزه مظفری

سوداگری شکارچیان با حیات وحش

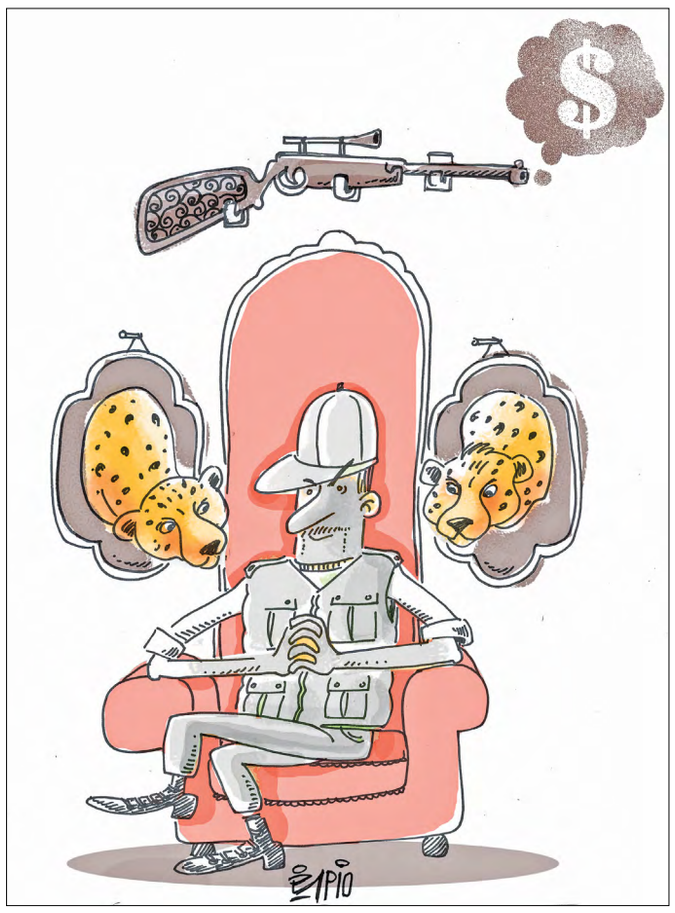

عدد

۹۶۹ سکه برای یادبود خیام

انجمن مجموعه‌داران ایران با همکاری خانه سکه ایران از ۹۶۹ سکه طلا و نقره که به مناسبت نهصد و شصت و نهمین سال تولد خیام ضرب شده بود، رونمایی کرد. منوچهر لطفی رئیس انجمن مجموعه‌داران ایران به مهر گفت: پیرو ضرب این سکه‌ها مراسم رونمایی از مدالیون خیام شامل یک سکه یادبود نقره و یک سکه یادبود بای متال در حضور صدها هنرمند، پژوهشگر و مجموعه دار برگزار شد.

۳۰ هزار پوند برای برنده جایزه ادبی بیلیز بریتانیا

جایزه زنان بیلیز (Baileys) ۲۰۱۷ که به بهترین نویسندگان زن آثار داستانی تعلق می‌گیرد برنده خود را شناخت. به گزارش مهر به نقل از بوک نیوز، جایزه ۳۰ هزار پوندی بیلیز برای ادبیات زنان امسال به نائومی آلدرمن نویسنده بریتانیایی تعلق گرفت. این جایزه برای چهارمین رمان آلدرمن با عنوان «قدرت» از انتشارات وایکینگ به وی اهدا شد.

یادداشت

سیدمجتبی حسینی
مدرس تاریخ هنر ایران

بگذاریم مردم با شهر خود خاطره بسازند

آدمیان یا دلبسته مدینه‌اند یا مدنیت، حتی در چاردیواری خانه خود. اگر جست‌وجو کنیم در خانواده و نزدیکان خود نیز می‌بینیم نمونه‌هایش را. مثلاً خانواده‌ای که سهم عمده درآمدش را می‌گذارد برای خانه‌ای بهتر یا بزرگتر و خانواده دیگری که می‌کوشد تا در هر خانه‌ای که هست بماند اما در تربیت و تفریح فرد فردش کاری متفاوت را سامان دهد که می‌پندارد ثمربخش‌تر است. در تاریخ هم چنین است چه در ایران و چه هر سرزمین دیگری پاره‌ای از حاکمان در پی ساخت شهرند و اجزای شهر و پاره‌ای دیگر در سودای پروردن مردمانی شادتر و آزادتر و آگاه‌تر.

در خاک ما اما از آن هنگام که باد تجدد وزید و تحصیلکردگان فرنگ دیده تلاش کردند تا کشور خود را به آن آب و رنگ درآورند که در اروپا دیده بودند رأیشان بر این استوار شد که اگر مدینه‌های نو بسازیم مردمان نیز نو خواهند شد و از آنجا که جملگی این دانش آموختگان در رشته‌های فنی و مهندسی و عمرانی مدارس عالی را به پایان برده بودند با یکدگر همداستان شدند و کسی شدند و کسی نبود یا صدای کسانی که نظری دیگر داشتند شنیده نشد که شهرهای نو ساخته شهروندان نو هستند و این آدمی است که بر محیط خود اثر می‌گذارد به گوهر خلاقه‌ای که دارد، تیر و تخته و در و دیوار توان برآمدن و تربیت انسان را ندارند. چه توان کرد که زمان به راه خود رفت. ساختمان‌های نو سر برآوردند و مظاهر تجدد یکی پس از دیگری، با سرعت و اشتیاق قد برافراشتند که اینک ماییم و شما شهروندان!

می‌گویند وقتی رئیس یکی از کشورهای اروپایی به ایران آمد و در مسیر حرکت از فرودگاه به اقامتگاه، شاه‌پهلوی از سوداهای بلندش برای او می‌گفت که ما در آستانه تمدن نوینیم و... میهمان که ملول شده بود از آن نطق درون اتومبیل با چشم اشارتی کرد به نرده‌های میان خیابان و گفت روزی در آستانه تمدن خواهید بود که چنین نرده‌ای در خیابان‌هایتان نباشد و اعلیحضرت در سکوتی ژرف فرو رفت....

تهران، این خانه مظلوم و مهربان ما، یکصد سال است که صبوری می‌کند، دم فرو بسته و نظاره‌گر ما فرزندان عجول خود است که با جانش چه می‌کنیم. و ماتنها و تنها آموخته‌ایم که باید ساخت. برج ساخته‌ایم و بازارهای کلانی که به لفظ فرنگی مال صدایش می‌کنیم. بقالی‌مان، سوپر شد و سوپرمان، هایپر!

حتی وقتی سراغ فرهنگ رفتیم تا از انسان بگوییم و به انسان خردک خدمتی کنیم فریفته ساختمان شدیم. مظروف را رها کردیم و در هوس ظرف گام‌ها زدیم. موزه‌های بی‌بازدیدکننده و گالری‌های مکرر و بی‌انگیزه تا تماشاخانه‌های مجلل و پردیس‌های پررنگ و لعاب و پارک‌هایی که به‌جای سایه، سازه دارند.

درتمام این سال‌ها در دوره‌ای از فعالیت غلامحسین کرباسچی آنگاه که او اصحاب راستین فرهنگ و تحصیلکردگان رشته‌های غیر مهندسی را در کنار مهندسان عزیز داشت بارقه‌های مدنیت یا همان شهروند مداری در تهران دیده شد و بس. در این ۱۲ سال ما باز به سراغ مدینه رفتیم و ساختن بنا. ساختیم و ساختیم و ساختیم. حاصلش چه شد؛ معاون شهردار وقتی خواست از تأثیر بر شهروندان بگوید طرح خط سفید را مطرح کرد با بودجه‌ای هنگفت که تناسب طرح و هزینه به طنز می‌مانست و قول داد شش ماهه انقلابی در حمل و نقل شکل می‌گیرد که کار خود کرد و بر سر پست خود نماند تا ببیند حاصل تلاشش چیزی بیش از هیچ نبوده است.

نمی‌خواهم طرح‌های شهرداری را در بوته نقد بیازمایم اما این همه گفتم تا برسم به اینجا که فرزندان دلبند تهران بیایید برای یکبار هم که شده «مدنیت» را بر «مدینه» مقدم بدارید. ایمان بیاوریم که شهروند خوب شهر خوب را با هر سختی و دشواری خواهد ساخت.

اینک که در آستانه انتخاب شهرداریم، کاش نمایندگان ما در شورای شهر به جای انتخاب یک مهندسِ صرف، کسی را برگزینند که اگر مهندس هم بود بتواند شهر و شهروند را توأمان ببیند و برای این شهر پدری کند یا مادری. در همین ظرف‌های متعدد و رنگین که به همت شهردار محترم فعلی و شهرداران محترم قبلی ساخته شده به تدبیر مظروف شایسته کمر بندد و بگذارد تا مردم در شهر زندگی کنند و با شهر خود خاطره بسازند. گمان من این است که وقت آن رسیده تا همه چشم باشیم و گوش تا شهرداری به‌کار گمارده شود که حتی انتخابش صیت و آوازه این رویکرد را نه در ایران که در جهان طنین انداز کند.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

رمضونی؛ آیین ویژه ماه روزه در بیرجند

یکی از رسوم قدیمی ماه مبارک رمضان در بیرجند، خواندن «رمضانی» یا در گویش محلی «رمضونی» است. در شب‌های رمضان پس از نماز و افطار، جمعی از پسران و نوجوانان در دسته‌های ۴ تا ۶ نفری به راه افتاده و به در خانه‌های همسایه‌ها بویژه سرشناسان و توانگران می‌روند و به قصد گرفتن انعام برنامه ویژه‌ای اجرا می‌کنند.آنان با خواندن اشعاری معروف به رمضونی با لهجه بیرجندی از صاحب خانه طلب انعام می‌کنند. خواندن اشعاری در مدح حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) و رباعی‌هایی در مدح ائمه اطهار از دیگر بخش‌های آیین رمضانی خوانی است. گروه مزبور پس از دریافت هدیه از صاحب‌خانه که معمولاً خشکبار یا نان است، با خواندن اشعاری مبنی بر تشکر و آرزوی توفیق برای صاحب‌خانه برای خواندن رمضانی به خانه بعدی مراجعه می‌کنند. این مراسم جنبه فرح زایی داشت و فقط در نیمه نخست ماه مبارک رمضان و شب‌های پایانی آن اجرا می‌شود و نوجوانان از اجرای آن در شب‌های قدر، خودداری می‌کنند.